

## به یاد زیبا - زهرا کاظمی در سومین سال قتل او در محل کتابخانه نیما در مونترال گردهم آمدیم!

قبل از اینکه به شب یاد بود زیبا در مونترال بپردازم، شاید بی ارتباط نباشد اگر شرح ماجرا را از بیست و یک روز پیش از آن شروع کنم.

دوشنبه شب ۱۹ ژوئیه ۲۰۰۶ خبر حضور سعید مرتضوی را در ژنو شنیدم! اوضاع غریبی بود! باورم نمی شد! در آستانه سومین سالگرد قتل زیبا کاظمی به دست جمهوری اسلامی ایران، سعید مرتضوی دادستان تهران و یکی از عاملین قتل زیبا در شورای تازه پاگرفته حقوق بشر سازمان ملل به عنوان نماینده حقوق بشر ایران در این اجلاس حضور داشت و قرار بود پنجشنبه ۲۲ ژوئن همان هفته در مقابل نماینده گان حقوق بشر دیگر کشورهای حاضر در اجلاس، در باره حقوق بشر در ایران سخنرانی کند!

نمی دانستم باید بخندم یا باید گریه کنم!

ناباوریم نه برای اینکه توهمی به ماهیت رژیم جمهوری اسلامی و یا پوشالی بودن سازمان های به اصطلاح حقوق بشر داشته باشم بلکه از بی حرمتی چنین آشکار به ذات انسانیت در دورانی که بلندگوهای دفاع از حقوق بشر در غرب گوشها را کر می کند، قلبم را می فشرد.

باید کاری می کردیم، با آگاهی به اینکه قدرت های دولتی به دلیل روابطه مالی و اقتصادی با جمهوری اسلامی ایران هیچکدام مستقیم و حتی غیر مستقیم از اعتراض ما حمایت نخواهند کرد، با این وجود نمی توانستیم سکوت کنیم و باید جلوی سخنرانی سعید مرتضوی را در ژنو می گرفتیم. چهل و هشت ساعت بیشتر برای رودر روی با این افتضاح وقت نداشتیم، به هر کس که امیدی داشتیم تلفن کردیم و ای-میل نوشتیم. جان تری وکیل استفان هر آنچه که از دستش برمی آمد را انجام داد تا بتواند در عرض ۲۴ ساعت پرونده " بر علیه مرتضوی باز کند و حکم دستگیری او را برای دولت سوئیس بفرستد. استفان هاشمی، وزارت خارجه و دفتر نخست وزیری را تلفن باران کرد. اعتراض به اینکه کانادا چطور در جلسه ای شرکت می کند که یکی از عاملین قتل يك شهروند کانادا در آنجا از حقوق بشر سخن خواهد گفت!

استفان در عین حال اطلاعیه در اعتراض به حضور مرتضوی در ژنو به مطبوعات فرستاد که خبرگزاریهای بسیاری با او در این رابطه گفتگو کردند.

هیجان تمامی وجودمان را فرا گرفته بود. همگی در تلاش پیدا کردن راههای قانونی برای رودرروی با توهین جمهوری اسلامی بودیم. به پیشنهاد هما و حسین، قرار شد استفان برای اعتراض مستقیم به سازمان ملل به ژنو پرواز کند. که با وجود گرانی سرسام آور بلیط هواپیما میسر نشد.

هما عزیززاده فعال سیاسی مقیم مونترال، نامه سرگشاده برای دستگیری سعید مرتضوی خطاب به کوفی عنان و استفان هارپر نخست وزیر کانادا نوشت، که در مدت کوتاهی بیش از هزار نفر آن را امضا کردند. مینا احدی فعال حقوق بشر که اولین بار بود صدای او را می شنیدم، از یکی از شهرهای آلمان بامن تماس گرفت و گفت که عده ای برای اعتراض راهی ژنو هستند. راضیه ابراهیم زاده هشتادوسه ساله، زن برگزیده هفدهمین کنفرانس بنیاد پژوهشهای زنان، که آخرین روز سفرش در مونترال بود مرتب به من گوشزد می کرد که: "یادت نرود از هیچ کمکی به شما دریغ نمی کنم و صد در صد حمایت مرا دارید." الهه شکرایی مسئول انجمن زنان مونترال، تلفن کرد و آمادگی خود را برای هرگونه کمکی اعلام کرد. نادیا کردی پانصد دلار به بنیاد زیبا کاظمی کمک مالی کرد و بسیار اقدامات دیگری در این زمینه صورت گرفت که ما از آنان خیردار نشدیم.

بالاخره، چهارشنبه ۲۱ ژوئن خبر رسید که سعید مرتضوی در سازمان ملل سخنرانی نخواهد کرد. خبرنگار کانادائی که در آن روزها در ژنو حضور داشت طی تماس تلفنی با وکیل استفان گفت: "مرتضوی از اینکه به او اجازه سخنرانی در شورای تازه پاگرفته حقوق بشر سازمان ملل را نداده اند بسیار عصبانیست." در پوست نمی گنجیدیم، بله، هر چند نه خیلی محکم، اما پوزه اش را به خاک زدیم.

قدم بعدی تحت فشار قرار دادن دولت کانادا برای درخواست دستگیری فوری سعید مرتضوی از مقامات سوئیس بود. استفان بارها با دفتر وزیر امور خارجه کانادا تماس گرفت و همچنین بسیاری افراد و سازمان های مدافع حقوق بشر، ایرانی و غیر ایرانی به دفاع از خواسته او برخاستند. اما آموختیم که سیاستمداران در سوئیس تماماً از مصونیت سیاسی برخوردارند، بنابراین دستگیری او در ژنو امکان پذیر نیست.

صبح پنج شنبه خبر رسید که بعدازظهر همان روز مرتضوی سوئیس را ترك خواهد کرد تا از طریق فرانکفورت به ایران بازگردد. جان تری وکیل استفان با هیجان پشت تلفن خواست تا از امکان ارتباطی مان با اپوزیسیون ایرانی در اروپا استفاده کنیم تا شاید امکان دستگیری مرتضوی در صورت گذار از آلمان فراهم شود. امیدی دیگر!

به همت حسین ماهوتیها فعال حقوق بشر مقیم مونترال، در ارتباط با کسانی قرار گرفتم که برای محکوم کردن جمهوری اسلامی در دادگاه میکنونوس نقش فعال داشتند و قرار شد با مقامات آلمانی تماس گرفته و خواستار دستگیری مرتضوی شوند. در پوستم نمی گنجیدم، به شادی امین محقق فمینیست و فعال حقوق زنان تلفن کردم و او را در راه فرانکفورت به دورتموند در حین رانندگی پیدا کرده، شرح امکان توقف مرتضوی را در آلمان به او دادم و اینکه شاید امیدی برای دستگیری او در فرودگاه آلمان باشد. مثل همیشه قول داد تا هر آنچه از دستش برآید را دریغ نخواهد کرد و قرار شد با دوستی که عضو پارلمان آلمان است تماس بگیرد و تا شاید از آن طریق حکم جلب مرتضوی در آلمان صادر شود.

در مقابل تمامی تلاشهای که بلادریغ در نقاط مختلف جهان توسط ایرانیان دیاسپورا با امکانات بسیار محدود اما از جان و دل در سطحی وسیع انجام شد، دولتها و دولت مردان سکوت کردند و یا آنقدر دیر ب فکر افتادند که دیگر دیر شده و مرغ از قفس پریده بود! کوفی عنان در گفتگوی با خبرنگاران از حضور نماینده و سخنگوی ایران سعید مرتضوی که حتی قرار بود در اجلاس روز پنج شنبه نیز سخنرانی کند، اظهار بی اطلاعی کرد!؛ نخست وزیر محافظه کار کانادا استفان هارپر وقتی بوق و کرنا برای دستگیری مرتضوی را براه انداخت که او در راه بازگشت به ایران بود!

بدون شك دولت کانادا مانند تمامی دولتهای مدافع سرمایه حاضر نیست منافع اقتصادی عمیقش را که در ده - پانزده سال گذشته با ایران ایجاد کرده را به خطر اندازد، بنابراین علاقه ای به پیش برد پرونده زیبا ندارد و در سه سال گذشته به هر بهانه ای از زیر بار مسئولیت برای ارائه این پرونده به دادگاه بین المللی شانه خالی کرده است و تنها مواقع اینچنینی سر و صدای براه می اندازد و ژست مدافع حقوق بشر بخود می گیرد.

اما زیبا از حمایت مردمی و انسانی عمیقی برخوردار است که برای استنفان و همه کسانی که برای پیش برد این پرونده درگیر هستند دلگرمی و پشتوانه بزرگیست. پشتوانه ای که ارزش آن در مقایسه با حمایت دروغین دولت ها و سازمانهای به اصطلاح حقوق بشر صد چندان است.

استنفان و وکلایش بعد از دو سال و اندی تلاش برای گشایش پرونده قتل زیبا کاظمی بر علیه جمهوری اسلامی در دادگاه بین المللی با عدم همکاری دولت کانادا تلاششان فعلا به بنبست رسیده، اما از انجای که استنفان مقیم و شهروند کانادا-مونترال هست، طبق قوانین کانادا شهروند کانادا می تواند از دولت خارجی که او و یا فامیل درجه يك او را مورد ستم قرار داده، شکایت کرده و در دادگستری شهر محل اقامتش بر علیه دولت و افراد مسئول و مجرم پرونده باز کند. بنابراین برای رسیدن به هدف مزبور از زمستان امسال تلاش پی گیری برای جلب همکاری وکیلی در مونترال آغاز شد تا بدین وسیله شکایت به دادگستری مونترال تحویل داده شود. با وکلای زیادی تماس گرفته شد تعدادی به دلیل نداشتن تجربه کافی، تعدادی چون استنفان توان پرداخت هزینه کلان را نداشت و تعدادی به دلایل سیاسی پرونده را نپذیرفتند. در این بین با وکلای ایرانی نیز آشنا شدیم که هم تجربه کافی داشتند و هم قدرت پیشبرد کار پرونده را در دادگاههای کبک، اما از قبول پرونده سرباز زدند!

با وجود تمامی این مشکلات سرانجام در تاریخ ۲۹ ژوئن ۲۰۰۶ شکایت بر علیه دولت جمهوری اسلامی ایران، ایت الله علی خامنه ای، سعید مرتضوی و محمد بخشی به دادگستری ایالت کبک در شهر مونترال تحویل داده شد، به علاوه هفده میلیون دلار غرامت که شرح مفصل آن در شکایت نامه ذکر شده است.

سه سال از قتل زیبا می گذرد!

دوشنبه ۱۰ ژوئیه ۲۰۰۶، در غروب سومین سالگرد قتل زیبا کاظمی جمع دوستانه و صمیمی به همت بنیاد نیما در محل کتابخانه نیما در شهر مونترال تشکیل شد. در این گردهمایی بعد از خوش آمدگویی و سخنرانی کوتاه استنفان هاشمی، در رابطه با گشایش پرونده زیبا در کانادا و اقدامات آینده بحث و گفتگوی خلاق در بین حاضرین در گرفت و استنفان را بخاطر استقامت و پایداریش در دفاع از حق

مادرش مورد تشویق قرار دادند. نکته مهمی که همگی به آن باور داشتند، حق خواستن اجرای عدالت بود. حقی که با شعار بخشش بی چون و چرا می خواهند از ما بگیرند. حقی که ستون و پایه جامعه مبتنی بر حقوق و قوانین انسانیست.

چگونه قبل از اینکه مجرمان را به پای میز محاکمه بکشیم باید ببخشیم؟ چگونه پیش از آنکه جرم در دادگاهی منصفانه بررسی شود از بخشش آن حرف به میان می آوریم؟ طرح سوالاتی که باید عمیقاً به آنها فکر کنیم.

شب "زیبا" با شعرخوانی پروانه قاسمی و هما علیزاده به یاد تمامی زندانیان سیاسی در ایران و تمامی آنانی که در راه آرمانهای انسانی و باورهایشان جان باخته اند، به پایان رسید.

در ۲۷ سال گذشته، تعداد بیشماری در جمهوری اسلامی مانند استفان عزیزی، مادری، پدري، خواهری، برادری، دختری، پسری و یا دوستی از میانشان ر بوده، کشته و یا به زندان افکنده شده است. تعداد بیشماری خود سالها در شکنجه گاههای جمهوری اسلامی بسربرده اند. بنابراین باید تلاش کنیم تا هر چه بیشتر با استفاده از قوانین موجود بین المللی و یا قوانین موجود در کشورهای که هم اکنون در آن ساکن هستیم، در حد توان پرونده های بر علیه جانباختگان جمهوری اسلامی ایران باز کنیم تا حداقل زندگی کمی بر آنان سخت شود.

راه استفاده از قوانین موجود برای رسیدن به عدالت راهیست طولانی و پر فراز و نشیب، راهی که صبر و شکیبائی بسیار می طلبد. راهی که رشد سریع نئولیبرالیسم هر روز موانع بیشتری جلویش می گذارد. به اعتقاد من این تنها راه رسیدن به حقیقت نیست اما راهیست بسیار با اهمیت.

در آخر مطلبم را با نقل قولی و سوالی از منیره برادران تمام می کنم :

"خشم و نفرت علیه مسببین جنایت، در نفس خود اعتراض به حق کشیها و نقض حقوق بشر هم هست، اگر در جامعه ای خشم و نفرت علیه شکنجه، اعدام و سایر مجازاتهای وحشیانه و ضدبشری نباشد، آیا بی تفاوتی از آن زاده نمی شود؟"

آنچه را که بر ما گذشته، از یاد نبریم.

شهرزاد ارشدی

۱۲ ژوئیه ۲۰۰۶ مونترال